

تجلی عشق و ایمان زنان مسلمان در حماسه کربلا

آذر کریمی

کارشناسی ارشد فلسفه اسلامی، دانشگاه تربیت مدرس
مدرس دانشگاه، واحد شهریار، دانشگاه آزاد اسلامی، شهریار، ایران
Azarkarimi49@yahoo.com

چکیده

در اوایل دهه هفتاد هجری قمری به حادثه ای برخورد می کنیم که از آن به عنوان حماسه ای عظیم یاد می شود. حماسه عاشورا اگرچه یک روز بود، اما دامنه تأثیر آن تا ابدیت کشیده شد چنانکه در وصف آن گفته می شود «کل یوم عاشورا، و کل ارض کربلا». این واقعه که تجلی اوج عبودیت و کمال انسانیت توسط سومین امام معصوم شیعیان است را میتوان به عظمت کل تاریخ بشر دانست زیرا چنان در عمق جانها اثر گذاشته که حتی غیر مسلمانان را تحت تأثیر قرار داده است. این حادثه را زنان و مردانی ساختند که مرگ سرخ و شهادت را بر زندگی ذلت بار ترجیح دادند تا گلوآزه آزادی و ازادگی همواره در تاریخ بشر سبز بماند. از آنجا که در واکاوی این حماسه ارزشمند، انسان ساز و در عین حال خونین- به جز نقش برجسته زینب کبری(س)- به نقش حماسه آفرینی زنان کمتر توجه شده است؛ در این مقاله برآنم نقش زنان عاشورایی را در سه مرحله بررسی کنیم: مرحله تربیت و تشویق یاران عاشورایی(کادر سازی)، مرحله حمایت های مستقیم و غیر مستقیم در جریان حماسه و مرحله پیام رسانی بعد از حماسه که ضامن ماندگاری این حماسه شد.

واژگان کلیدی: اسلام، مسلمان، عاشورا، ازادگی، مدیریت، زنان مسلمان.

زنان مسلمان در طول تاریخ نشان دادند با عمق اندیشه ای فاطمی و زینبی سلام الله علیهما دارای غیرت دینی و بصیرت سیاسی، فرهنگی و اجتماعی ژرفند و تاریخ عاشورا بیانگر این واقعیت است. نقش زنان در حماسه عاشورا مشعل جاودانه ای است که تا ابد خاموش نخواهد شد. پویندگان راه بزرگواری و جویندگان گذرگاه اوج گیری به سوی کمال و سعادت، در هر مقطع از زمان و هر نقطه ای از مکان، به سراغ الگوهای دینی و کارهایی که بزرگان دینی انجام داده اند می روند. پیشرفت ملل زنده تاریخ، برپایه تاریخ همان بزرگان پی ریزی می شود. چون پاکدامنی ها، سجایای اخلاقی، روشنفکری ها، دانش ها، پند و اندرزها، براساس آن تجلی می کند، پس سزاوار آن است که روش ایشان زنده نگهداشته شود. با نگاه به تاریخ عاشورا آنچه تمام توجه انسان را به خود جلب می کند نقش آفرینی بزرگ بانوی معلم این حادثه زینب کبری سلام الله علیها و زنان بنی هاشمی و دیگر زنان همراه کاروان سالار شهیدان است. با بررسی نقش هر یک از این بانوان به راحتی این نتیجه قابل درک و دریافت است که این دستاورد بزرگ را نمی توان حاصل یک اظطرار مقطعی و احساسی دانست بلکه نظم سازمانی و عملکردهای دقیق عاطفی و عقلانی آنها در آن حادثه غمبار و خونین باید تحت آموزش و مدیریت کارآمدی صورت گرفته باشد. به همین دلیل است که نقش حضرت زینب سلام الله علیها فقط به زمان همراهی با کاروان امام (ع) در زمان جنگ و بعد از آن ختم نمی شود؛ بلکه این نوع تاریخ سازی مدبرانه نیازمند آموزشهای تربیتی - بصیرتی کامل و جامع است که با آن همه مصیبت انسان کم نیارود و در طوفان مصیبت راه گم نکند. این زنان مسلمان که هنوز تعلیمات حضرت زهرا سلام الله علیها را در حافظه داشتند تحت هدایت حضرت زینب سلام الله علیها توانستند به موقع و با بصیرت کامل دشمن را شناخته و در سایه تجلی غیرت دینی در مقابله با او از تمام داشته هایشان بگذرند. اگرچه زنان اسیر احساسند اما در این ماجرا نشان دادند زن مسلمان فرشته ای است از جنس احساس، که عقلانیت بر آن حکومت دارد. او آموخته است احساس فقط در مسیر اِلی الله ارزش دارد نه صرفاً برای ارضای امیال دنیایی و موحد بودن جنسیت نمی شناسد. آنها آموخته بودند امتیاز انسان از سایر موجودات عشق ورزی و آزادگی در مسیر خداست و رسیدن به خدا مسیر آسانی ندارد به عبارت دیگر آنها به خوبی از پیامبرشان و دخت گرامیش و امروز نیز از نوادگانش آموخته بودند خدا گنجی و خلیفه الهی میراثی است که بدون رنج بدست نمی آید. آنها در مکتب اهل بیت آموخته بودند انسان آفریده نشده مگر برای رسیدن به خدا و راه رسیدن به این هدف فقط بندگی و

اطاعت از خداست؛ بنابراین هرگز بندگی غیر او پذیرفتنی نیست که غیر از این عین ذلت و خواری است حتی اگر به قیمت جان خودشان و عزیزانشان تمام شود. حضرت فاطمه سلام الله علیها و حضرت زینب سلام الله علیها به تمام زنان عالم آموختند می توانند در کنار مردانشان قرار بگیرند و دوشادوش آنها در مسیر عدالت و تقوی قدم بردارند و ریشه ظلم و ستم طاغوت را بخشکانند. آنها آموختند نیاز اصلی زنان عشق و ورزی احساسی، مقطعی، بدون منطق و عجلوانه نیست بلکه عشق و ورزی عاقلانه، مدبرانه و صبورانه و الهی است که بشر برای ظهور انسانیت گمشده اش بدان نیازمند است. بنابراین نمی توان تصور کرد زنان عاشورایی طی یک تحول دفعی چنین حماسه ساز شدند بلکه باید این حماسه سازی را مرهون تعلیمات و روشنگریهای صادقانه و هدفمند سلاله های عصمت و طهارت در طی زمانهای طولانی از سقیفه تا همیشه تاریخ دانست چرا که آنها هدفی به جز انسان سازی و الگو سازی برای همه زمانها و مکانها نداشتند. اهل بیت عصمت و طهارت از مرد و زنشان هرگز محصور در زمان و مکان نبودند به همین خاطر چنان مدبرانه، آگاهانه و خالصانه در مسیر قرب الی الله گام بر می داشتند که انسانهای با معرفت، حق طلب و آماده داوطلبانه شیدایشان شده و مورد تعلیم و تربیت قرار می گرفتند تا راه آنان را ادامه دهند. از آنجا که سنت عالم بر آن است که حتما تلاشهای انسان در هر مسیری به ثمر خواهد نشست و سنت دیگر عالم بر آن است که انسانهای شایسته از توفیق الهی بهره مند شده و کار الهی شان دهها و گاهی هزاران برابر نتیجه می دهد، زحمات عالمانه و خالصانه اهل بیت نیز از این سنتها مستثنا نشده و به ثمر نشست به گونه ای که امروز بعد از هزار و اندی سال تالو اندیشه های ایشان بر جهان و جهانیان سایه افکنده و هر انسان خداشناسی را به تحسین و ترغیب و الگوبرداری وامی دارد. حماسه عاشورا که بزرگترین پیامش آزادی و آزادگی است، بی شک از عظیمترین های حادثه های تاریخ است که قطعا حماسه آفرینان بزرگی داشته است و نکته اینجاست که این حماسه آفرینان تنها مردان نبوده اند؛ بلکه زنان نیز در بستر سازی و کادر سازی سپاه اسلام، حمایت سپاه در حین جنگ و تداوم و ماندگاری این حادثه نقش بسزایی داشتند که در بخشهای جداگانه به آنها پرداخته می شود.

الف) نقش زنان در بستر سازی حادثه کربلا (کادر سازی)

تربیت دارای دو بعد مختلف فردی و جمعی است. تربیت اخلاقی از زیر مجموعه های تربیت فردی است که شامل عزت مداری و ذلت ستیزی ست. اقسام تربیت جمعی شامل تربیت

اجتماعی، تربیت سیاسی، تربیت فرهنگی، تربیت اقتصادی و ... می باشد (محمدشاهی، ۱۳۹۰: ۱). با توجه به هدف نوشتار تنها به تربیت سیاسی اشاره می شود. تأثیر غیرمستقیم زن در ساختار جامعه بشری و نقش بی بدیل آن در پرورش مرد و ایجاد مردانی قوی در شرایط بحرانی را حتی متعصب ترین نظریه پردازان علوم انسانی و جامعه‌شناسی پذیرفته‌اند (عباسی، ۱۳۸۵، ۱، ۲-۱). تأثیر غیرمستقیم زنان در عاشورا از طریق تشویق و تهییج شوهران و همسران بوده است و تأثیر مستقیم به این صورت است که یا خانه‌هایشان را به محل امنی برای گفت و شنود سیاسی و کمک به یاران سیدالشهداء تبدیل کردند و یا به جهادگری و رزمندگی می پرداختند. حضور ارزنده بسیاری از یاران سیدالشهداء نیز در نتیجه ی تأثیر همسرانشان در آن شرایط بحرانی و متحول ساختن روحیه آنان بوده است. در اینجا شایسته است به عنوان مثال به بررسی نقش چند تن از زنان حماسه ساز بپردازیم. عبدالله بن عمیر که به سفارش مادرش به سپاه سیدالشهداء پیوسته بود وقتی به سپاهیان یزید حمله کرد، چند تن را کشت و سپس نزد مادر و همسرش آمد و گفت: ای مادر، راضی شدی؟ مادر گفت: راضی نمی شوم، مگر آنکه نزد حسین (ع) کشته شوی. عبدالله را کشتند و سرش را به سوی مادرش پرتاب کردند. مادر سر را برداشت، بوسید و به سوی دشمن پرتاب نمود. در اثر اصابت آن سر نیز مردی از دشمن کشته شد. آنگاه عمود خیمه را کند و دو نفر را کشت.

بانوی دیگر دلهم (دیلیم) بنت عمرو، همسر زهیر بن قین می باشد. یکی از یاران زهیر می گوید: ما با گروهی همراه زهیر که از عثمانیان بود در مراسم حج شرکت کردیم. در راه بازگشت سعی می کردیم تا حتی المقدور از امام حسین (ع) فاصله بگیریم، تا اینکه در منزلی فرود آمدیم که امام (ع) نیز با یارانش در آنجا فرود آمده بودند. ناگاه فرستاده ی امام (ع) وارد شد و به زهیر گفت: " امام از تو خواسته که نزد وی بروی ". در آن فضای بهت ناگاه صدای همسر زهیر بلند شد که: فرزند رسول خدا از تو می خواهد که به نزدش بروی و تو از این کار خودداری می کنی؟ چه می شود که اگر به نزد وی بروی و سخنش را بشنوی؟ (مهوری، ۱۳۸۱، ۴۱۵-۴۱۴). زهیر به پیشنهاد همسرش و علی رغم میل باطنی خود به سوی خیمه حسینی رفت. اما پس از ملاقات با امام عاشقانه به او پیوست و در رکاب ایشان مشتاقانه جنگید و به فوز شهادت رسید.

همچنین از این بانوان می توان بانویی به نام "بحریه" را نام برد که وی همسر جناده بن کعب انصاری خزرجی و مادر عمرو بن جناده است. جناده از یاران سیدالشهداء بود که در جریان اولین حمله دشمن به شهادت رسید. بعد از وی پسرش عمرو (۱۱ ساله) به دستور مادرش برای

یاری به امام حسین (ع) آماده نبرد شد. او در برابر مادر ایستاد و مادر به او گفت: پسرم بیرون برو و نزد پسر پیامبر جهاد کن. امام حسین (ع) فرمودند که پدر این جوان تازه کشته شده است و شاید مادرش از خروج وی راضی نباشد. آن جوان گفت: مادرم امر به خروج فرمود. آنگاه به میدان رفت و پس از مدتی توسط دشمن شهید شد (بهزادیپور، ۱۳۸۴، ۲۵۷).

ام خلف، نیز بانوی دیگری ست که بعد از شهادت همسر، فرزندش را می فرستد و امام حسین (ع) اجازه نمی دهند ولی این مادر فرزندش را وادار به دفاع از سنگر ولایت می نماید (بلخاری قمی، ۱۳۷۸، ج ۳: ۶).

ب) نقش زنان در حمایت از حادثه کربلا

دسته دیگری از زنان به طور مستقیم در امور سیاسی روز نقش آفرینی می کردند. این زنان به دو گروه تقسیم می شدند: زنانی که خانه شان محل گفت و شنود سیاسی بود. در میان اهل کوفه بانوی غیرت مندی چون ماریهٔ عبدیه را می بینیم که خانه اش را در مرکز حوادث توطئه امیرعبیدالله به محلی امن برای هواداران سیدالشهدا تبدیل می کند. این بانو مرکزی برای گفت و شنودها و تحلیل اخبار سیاسی آن روز به نفع سیدالشهدا دایر نموده بود. وقتی این خبر به گوش ابن زیاد رسید، به عاملانش دستور داد از این عمل ممانعت کنند و راه منزل این بانو را برای شیعیان مشتاق سد نمایند (سماوی، ۱۳۸۴، ج ۲)

اما گروه دوم زنانی بودند که خود در میدان جنگ نقش آفرینی کردند. در عرصه جهادگری و رزمندگی عصر عاشورا و حمله ی دشمن به خیمه ی امام، واقعه ی عجیبی رخ داد. سربازی می گوید: زنی را دیدم از طایفه ی بنی بکر بن وائل که با شوهرش در سپاه عمر سعد بود. هنگامی که دید سربازان بر زنان اهل بیت حمله برده اند و خیمه ی آنها را غارت می کنند، شمشیری به دست گرفت و به جانب خیام آمد و گفت: ای آل بکر بن وائل، آیا دختران رسول خدا را تاراج می کنند و شما می نگرید؟ و گفت: «لا حکم الا لله یا لثارات رسول الله». این بانو اولین فردی بود که علیه دستگاه اموی طغیان کرد. عجیب است که این شعار، که از زبان زنی از سپاه دشمن خارج گردید سرلوحهٔ قیام های شیعی شد و به همین جهت قیام هایی که پس از آن برای خون خواهی امام حسین (ع) انجام یافت، غالباً با شعار یالثارات الحسین (ع) شناخته می شد. (بهزادیپور، ۱۳۸۴: ۲۵۳-۲۵۲)

این بانوان آگاه و تربیت یافته مکتب اسلام، وظیفه دینی خویش را در قیام عاشورا، با حفظ هنجارهای الهی، به بهترین وجه به انجام رسانیده و نشان دادند که زن مسلمان می تواند به کمک فضایل اخلاقی مورد تأکید در اسلام با تمام ظرفیت خود، در بزرگترین و مهمترین حماسه انقلابی و دینی عصر خویش سهمی عظیم و افتخار آفرین داشته باشد. برخی از این فضایل عبارتند از:

شجاعت

در اینجا به نقل از دو بانویی که شجاعانه به میدان جنگ وارد شدند اما با دستور امام (ع) صحنه را ترک کردند می پردازیم: نقل شده است پس از آنکه وهب برای بار دوم پا به میدان نبرد گذاشت، همسرش عمود خیمه را کشید و به میدان شتافت. او در کنار همسرش شروع به جنگیدن کرد امام حسین با مشاهده این صحنه به همسر وهب فرمود: " شما به پاداش نیکو رسیدید، خداوند تو را رحمت کند، نزد زنان باز گرد". با فرمان امام (ع) همسر وهب نزد زنان باز گشت . بانوی دیگر ام وهب زنی بود که فرزند جوان خود را برای یاری امام حسین (ع) به میدان کارزار فرستاد. آن جوان مدتی جنگید تا به فوز شهادت نایل شد. آنگاه سپاه عمر سعد سر از بدن آن جوان جدا کردند و آن را به اردوگاه امام حسین (ع) پرتاب کردند. در این حال مادرش عمود خیمه را کشید و به یزیدیان یورش برد. او پس از آنکه دو نفر از آنان را به هلاکت رساند، به دستور امام حسین (ع) به اردوگاه بازگشت (مهوری، ۱۳۸۱: ۴۱۸-۴۱۷)

ایثار

ایثار به معنای فدا کردن جان خود در راه خدا و ترجیح رضای او بر همه چیز است. در کربلا، پنج تن در میان دشمن ظاهر گشتند و در دفاع از امام ابراز تسلیت کردند و نهایتاً نیز به فوز عظیم شهادت نائل شدند. غیر از حضرت زینب سلام الله علیها که در شهادت حضرت علی اکبر علیه السلام ظاهر شد سه تن دیگر خواهر و مادر شهیدان بودند و پنجمین آنها همسر عبدالله بن عمیر کلبی بود که نام خود را در ردیف شهدای کربلا به ثبت رسانید (بهزادیپور، ۱۳۸۴: ۲۵۸-۲۵۱) عاتکه از کسانی بود که در اثر حمله دشمن به خیمه، زیر دست و پای اسبان قرار گرفت و به گونه‌ای سخت و مشقت‌آور به شهادت رسید.

هم چنین، نام هانیه، نوعروس مسیحی که در کربلا به همراه همسرش از روز اوّل محرم و در مسیر حرکت سپیدالشهداء اسلام آورده و به کاروان آن حضرت ملحق گردیدند، از شهیدان کربلا

شمرده شده است. او نیز پس از شهادت همسرش وارد میدان شد و چون برسر جسد بی جان همسرش نشست، غلام شمر او را به شهادت رسانید (ابی مخنف، ۱۴۰۵، 103).

تقویت روحی (صبر و استقامت)

زنان عاشورایی در کربلا با وجود شهادت نزدیکان خویش، نه تنها پایدار ماندند، بلکه دیگران را نیز در این راه دلداری می دادند. زینب کبری سلام الله علیها زمانی که از شهادت علی اکبر با خبر شد برای دلداری امام حسین علیه السلام به استقبال او شتافت. همچنین رباب همسر سیدالشهدا که فرزندش علی اصغر (ع) را به آستان حسینی تقدیم کرد در صحنه کربلا برای آن که مبادا حضرت اباعبدالله (ع) با دیدن حضرت رباب متأثر شوند، برای احترام حضرت از خیمه بیرون نیامد و صبر نیکوی خویش را نشان داد (بلخاری قمی، ۱۳۷۸، ج ۳: ۴-۵).

پرستاری

رسیدگی به بیماران و مداوای مجروحان از دیگر نقشهای زنان در جبهه ها، از جمله در حماسه عاشورا است. نقش پرستاری و مراقبت حضرت زینب سلام الله علیها از امام سجاد علیه السلام یکی از این نمونه هاست.

ج) نقش زنان در تجلی، جهانی شدن و ماندگاری حادثه کربلا

حقیقت آن است که حفظ و نگهداری یک نهضت و انقلاب، از انجام آن مهمتر است. قطعاً یکی از عوامل ماندگاری حادثه عاشورا همراه بودن زنانی شجاع، بصیر، آگاه و مومن با کاروان ابا عبدالله الحسین (ع) بود. زنان اهل بیت بعد از پایان نبرد حق با باطل، خونین دل و آزرده خاطر با آنکه اسیر بودند و لباسها و خیمه هایشان غارت شده بود و با وضع نا مطلوب در معرض دید تماشاچیان بودند، اعتراض کنان بر حفظ حجاب و عفاف تاکید می ورزیدند. حفظ ارزشهای دینی و اعتراض به هتک حرمت خاندان نبوت و رعایت عفاف و حجاب در برابر چشمان آلوده، درس دیگر زنان قهرمان کربلا به زنان عالم بود. ام کلثوم در کوفه فریاد می کشید که آیا شرم نمی کنید برای تماشای اهل بیت پیامبر جمع شده اید؟ حضرت زینب سلام الله علیها نیز پیام رسای خود را در هتک حرمت خاندان اهل بیت به گوش جهانیان رساند.

نکته قابل ذکر آنکه حضور و نقش عظیم حضرت زینب (س) در نهضت کربلا، منحصر به بعد از قیام نیست، بلکه ایشان از ابتدای راه، حضوری فعال و تعیین کننده در انقلاب حسینی داشتند. همیاری حضرت زینب (س) با امام حسین علیه السلام در انجام مسؤلیت ها را می توان بزرگترین نقش آن حضرت، تا قبل از ظهر عاشورا دانست. آن حضرت به عنوان امین امام، بخش وسیعی از مسؤلیت ها و امور کاروان را بر عهده داشت، تا امام فرصت و فراغ بیشتری برای آماده سازی قیام داشته باشد. اما اصلی ترین وظیفه حضرت زینب علیها السلام از بعد از ظهر عاشورا آغاز می شود. اگر نبود آن عالمه غیر معلمه در کربلا، نه تنها انقلاب امام حسین علیه السلام دستخوش تحریف می گردید، بلکه اسلام نیز در معرض خطری جدی قرار می گرفت و به عبارت دیگر کربلا در کربلا می ماند. تبلیغ پیام شهادت، سرپرستی قافله اسرا، پرستاری از امام سجاد (علیه السلام)، حفظ و حراست زنان و کودکان و سخنرانیهای کوبنده، دفاع از حقانیت قیام و مبانی اسلام و ... مسؤلیت های سنگینی بود که آن حضرت پس از قیام عهده دار بود.

سخنرانی حضرت زینب (علیها السلام)، در بارگاه ابن زیاد و یزید، آن چنان شورانگیز بود که ارکان حکومت اموی را به لرزه انداخت. سخنان پرشور او در تشریح اهداف انقلاب حسینی و بیان اوضاع اندوهبار روز عاشورا، دسیسه ها و جنایات رژیم را برملا نمود. روشنگری های آن حضرت، توانست جامعه چشم و گوش بسته آن زمان را بیدار کند. پیامد تلاش های حضرت زینب علیها السلام انقراض حکومت اموی و جلوگیری از اتلاف خون پاک شهدای کربلا، و در نتیجه، احیای مجدد اسلام بود. خطابه های پرشور حضرت زینب (علیها السلام) هراسی عظیم در دل بنی امیه پدید آورد و به همین جهت، ایشان را به مصر تبعید نمودند اما غافل از این که این زن فصیحه بلیغه پیام شهادت را به مصر نیز خواهد برد. سرانجام، این اسطوره صبر و ایثار در 15 رجب سال ۶۲ هجری، در تبعید، به ملکوت اعلی پیوست (معروف الحسنی، ۵۲۲، ۱۳۹۳).

گر چه زینب (علیها السلام) اندکی بیش، پس از واقعه جانسوز کربلا زندگی نکرد، ولی در همین مدت اندک، کنگره های کاخ ستم را فرو پاشید، و پیام عاشورای امام حسین علیه السلام را تا ابد ماندگار کرد.

فعالتهای عالمانه زنان پس از قیام

غیر از زینب (س)، عده دیگری از زنان نیز بودند که به رهبری و مدیریت حضرتش، کارهای تبلیغی و فرهنگی بسیاری پس از حماسه عاشورا انجام دادند که تاثیر زیادی بر جامعه آن روز

داشت و چه بسا اثرات آن تا به امروز ادامه دارد. نقش آفرینی این زنان را پس از قیام عاشورا، از دو بعد عمل و گفتار، می توان مورد بررسی قرار داد :

نقش عملی زنان پس از قیام عاشورا

بعد از به پایان رسیدن جنگ، زنان فاجعه ای که از سوی دستگاه غاصب یزید بر امام حسین (علیه السلام) و یارانش وارد شده بود را به شدت محکوم نمودند. و جالب این که اکثر این زنان، کسانی بودند که شوهرانشان در سپاه کوفه، بر علیه امام به مبارزه پرداخته بودند که در ذیل به چند نمونه از آن ها می پردازیم .

زنان بنی اسد

بدن های مطهر شهدا پس از پایان جنگ، بر روی زمین تفتیده کربلا مانده بود، و هیچ کس جرات نداشت برای دفن و کفن اجساد قدم بردارد؛ چرا که طبق دستور عمر سعد، ماموری بر بدن ها گمارده شده بود. در این وضعیت، زنان قبیله بنی اسد که در نخلستان های نزدیک کربلا بودند، با بیل و وسایل دیگر، به سوی میدان هجوم بردند. مردان آن ها با دیدن حرکت شجاعانه زنان، به کمک آمدند و به کفن و دفن شهیدان پرداختند(رجبی، ۱۳۸۶، ۷۰)

زنان آل ابی سفیان

سخنرانی ها و خطابه های پر شور حضرت زینب (علیها السلام)، در مجلس ابن زیاد و یزید، موجب گردید که زنان آل ابی سفیان از این واقعه متاثر شده، مراسم نوحه سرایی و گریه و شیون برای امام حسین (علیه السلام) و یارانش بر پا دارند. (همو، ۱۳۶۳، ۴۳۳) و بدین ترتیب، انزجار و اعتراض خویش را نسبت به عمل مردان ناجوانمرد خود اعلام دارند .

هند همسر یزید بن معاویه

پس از افشاگری زینب کبری (علیها السلام)، هند که از واقعه تلخ عاشورا سخت متاثر و ناراحت شده بود، به همسرش در مورد به شهادت رساندن امام حسین (علیه السلام) اعتراض نمود و گفت: «ای یزید! آیا تو دستور داده ای سر حسین فرزند رسول خدا را از تن جدا کنند و بالای نیزه برند؟ آیا تو فرزند فاطمه را کشتی؟»

یزید مضطرب شد و برای گریز از کاری که کرده بود، گفت: «... خدا بکشد این زیاد را که او را کشت، من به کشتن او راضی نبودم» (محدثی، ۱۳۹۱، ۴۵۶)

نکته قابل تامل در این مطلب، انزجار هند، همسر یزید، از حرکت شوم همسرش می باشد که با این اعتراض، ضربه سختی بر حکومت شوهر خود وارد کرد .

این ها نمونه هایی از واکنش زنان کوفه و شام به عملکرد مردانشان بود . اما بانوان دیگری هم با کردار خویش، در جبهه ای تبلیغی و فرهنگی به مبارزه علیه آل ابی سفیان پرداختند . ایشان از همراهان و پیروان امام حسین (علیه السلام) بودند، که با اقدامات هوشیارانه، اعتراض خویش را بیان نمودند. از این جمله به موارد زیر می توان اشاره کرد:

رباب همسر امام حسین علیه السلام

رباب همسر امام حسین علیه السلام، دختر «امرء القیس بن عدی بن اوس» بود . او در کربلا حضور داشت و شاهد شهادت همسر و فرزند شیر خواره اش علی اصغر بود . وی پس از کربلا و اسارت، در مدینه ساکن شد (عمادزاده، بی تاریخ، ۳۰۷).

در برخی روایات آمده است که در بازگشت اسرا به مدینه، رباب دستور داد تا سقف خانه اش را بردارند و خود و دخترش سکینه، در خانه بی سقف روزگار گذرانند . چون به او گفته می شد که از زیر آفتاب سوزان برخیز . با گریه و شیون می گفت: من با چشمان خود حسین علیه السلام را دیدم که گرمای آفتاب، بدن او را می گذاخت (معروف الحسنی، ۱۳۹۳، ۵۲۲).

و این خود نوعی مبارزه و قیام علیه ستم یزید و عمالش بود . رباب با این حرکت، به تحریک احساسات و عواطف مردم پرداخت، تا زمینه را برای قیام های دیگر مردمی فراهم سازد .

زنان مدینه و بنی هاشم

بعد از واقعه کربلا، زنان مدینه به ، بر سر قبر رسول خدا (صلی الله علیه و آله) رفتند و مراسم عزاداری برپا نمودند (قمی، ۱۳۶۳، ۳۴۴). آنان بدون هیچ هراسی از دستگاه حاکمه، با شور و شعور، دست به اقدامی مهم زدند . آنان با رفتن بر سر قبر پیامبر (صلی الله علیه و آله)، با زیرکی و تیزبینی، به همه نشان دادند که این فرزند رسول خداست که به شهادت رسیده است . و پس از آن تا یک سال، روز و شب، در مدینه نوحه سرایی می کردند (همان، ۳۰۲).

امام صادق (علیه السلام) نیز در این زمینه می فرمایند: «پس از واقعه کربلا، هیچ زن هاشمی، سرمه به چشم نکشید و خضاب نکرد. دودی نیز از خانه بنی هاشم برنخاست تا پنج سال که عبدالله بن زیاد کشته شد.» (همان، ۶۰۴)

و این نشانگر نقش اساسی و مهم زنان در حفظ و تداوم نهضت حسینی بود. اینان با عزاداری های پی در پی، در حقیقت، به مبارزه علیه حکومت بیدادگر یزید برخاستند و با حرکت های مثبت که در نهایت لطافت و ظرافت انجام می شد، در اذهان تاثیر به سزایی گذاشتند. زنان انصار نیز به همراهی زنان بنی هاشم، زمینه را برای شروع مبارزاتی نوبر ضد دستگاه بنی امیه فراهم ساختند. (معروف الحسینی، ۱۳۹۳، ۵۲۸) و با شعور دینی و سیاسی خویش، گامی بلند در احیای نهضت عاشورا برداشتند.

سخنرانی و خطابه های تکان دهنده زنان بنی هاشم

علاوه بر اقداماتی که زنان در عرصه عمل انجام دادند، خطابه ها و سخنرانی های بانوان هاشمی را می توان مهمترین عامل برای روشننگری مردم و براندازی حکومت یزید دانست؛ چرا که اگر نبود این افشاگری ها، جامعه خفته آن روز متحول نمی گردید و ندای حق طلبی و ستیز علیه ستم، بلند نمی شد.

امام سجاد علیه السلام و زینب کبری (س) بزرگترین نقش را در این زمینه ایفا کردند. آن ها با اختارها، هشدارها و بیدار باش ها، ضربه سنگینی بر آل امیه وارد نمودند. اما زنان هاشمی دیگر چون ام کلثوم و فاطمه صغری دختر امام حسین (علیه السلام) (سیدبن طاوس، ۱۳۴۸، ۱۷۸) نیز که در نهایت فصاحت و بلاغت بودند، نقش مهمی در ختنی سازی تبلیغات مسموم اموی داشتند. طبق آمار تاریخی، تعدادی زن در روز عاشورا، از سپاه و کاروان امام حسین علیه السلام به اسارت درآمدند، که از این عده ۶ نفر غیر هاشمی و بقیه، زنان بنی هاشم بودند (منفرد، ۱۳۹۳، ۴۰۵). اسارت این بانوان اگر چه اجباری و ناخواسته بود، ولی آن ها را در موقعیتی قرار داد که توانستند پیام خود را به گوش مردم برسانند. آنان هر جا رسیدند، از فرصت ها سود جست، وقایع کربلا را بازگو کردند.

خطبه های پرنفوذ این بانوان بزرگوار، که مصداق نیکوی امر به معروف و نهی از منکر است، چنان تاثیری بر اذهان خفته مردم گذاشت که زمینه ساز تحولاتی عظیم و قیام هایی چون قیام

تواین و قیام مختار گردید که در اینجا به برجسته ترین و تأثیر گذارترین این سخنرانیها و پیام جاودانه آنها اشاره می کنیم:

سخنرانی حضرت زینب سلام الله علیها

بعد از واقعه جانسوز عاشورا حضرت زینب (س) طی دو سخنرانی کوبنده ارکان حکومت بنی امیه را لرزاند که در اینجا به پیامهای یکی از آنها و نه عین سخنرانی اشاره می کنم. ایشان در کوفه با حمد و سپاس خدا و سلام و درود بر پیامبر و خاندان پاکش با هیبتی حیدری لب به سخن گشود.

«ایشان با نگاه جامعه شناسی و روانشناسی بسیار دقیق از وضعیت مردم کوفه فرمود شخصیت شما نیرنگ باز و عهد شکن است و این از بدترین حالات انسانیت است که نمی تواند از خود ثبات و استواری نشان دهد و همیشه در شکار هوسرانان روزگار قرار می گیرد....»

- اگر سیاست شیطانی بنی امیه به ویژه معاویه را مورد تحقیق قرار دهیم به این نتیجه می رسیم که او می خواست فتنه کشتن امام را به مردمان شهری نسبت دهد که اغلب از شیعیان باشند تا بدین وسیله مقام و منزلت اهل بیت علیهم السلام و پیروانشان را در افکار عمومی برهم بزنند و توسط این مردم جاهل به هدف خود دست یافت.

اگر به خطبه حضرت زهرا سلام الله علیها بعد از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله توجه کنیم می بینیم حضرت زینب سلام الله علیها همانند مادر، دستاویز شدگان حکومت شام را ملامت و توبیخ می کند که چرا دنبال شیاطین می روید و چرا خودتان را آلت و ابزار کسانی می سازید که همیشه به هوی و هوسهای خود نظر دارند؟

- حضرت می فرماید این پرونده سیاه به نام کوفیان بسته شد ... اگرچه طراح حادثه حاکم شام است...» (فتاحی، ۱۳۸۷، ۲۷۰-۲۷۹)

سخنرانی فاطمه صغری سلام الله علیها

سخنرانی کوبنده دیگر در بین مردم کوفه از فاطمه صغری سلام الله علیها دختر امام حسین علیه السلام در تاریخ ثبت شده است که به چند نکته قابل توجه آن اشاره می کنم:

- تاکید بر ارزش نهاد خانواده و نقش آن در تربیت فرزندان و تأثیر نسلهای گذشته در آینده و لزوم الگوبرداری از نحوه تربیت فرزند در خاندان اهل بیت علیهم السلام (برگرفته از همان، ص ۲۹۵-۲۹۸)

- اگر به خطابه های بانوان حرم و کبوتران بال سوخته با معرفت بنگریم در مقام مقایسه به این نتیجه می رسیم که خطبه های حضرت زینب سلام الله علیها در برگیرنده اهداف خطبه مادرش حضرت زهرا سلام الله علیها و سخنرانی حضرت فاطمه صغری سلام الله علیها برخاسته از خطبه های جدش حضرت امیرالمومنین علیه السلام است. (همان، ص ۲۹۸)

- ایشان در این سخنرانی با اشاره به جایگاه والا و موضوع شهادت و غصب خلافت امیرالمومنین علیه السلام قصد دارد ریشه اصلی حادثه کربلا را در جریان سقیفه و اکاوی کند و به مردم خفته آن زمان یادآوری کند.

- ایشان با جسارت به مردم کوفه می گوید مسلمانیتان به سرتان بخورد این چه مسلمانی است که هیچ احساس وظیفه ای در دفاع از حق و حجت الهی به دنبال ندارد. ایشان با بیانی روشن و واضح آنها را متوجه کینه و عداوت دیرینه بنی امیه با اسلام کرده و به آنها نشان می دهد که نسبت به خدا و پیامبر و امامان معصوم آگاهی ندارند و همچنان در حال پیروی از جاهلیت هستند.

- ایشان تأکید می کند که ای مردم به خاطر کناه و لقمه حرام دچار قساوت قلب شده اید زیرا نه تنها از این جنایت ناراحت نیستید بلکه شادمانی هم می کنید.

- حضرت فاطمه صغری سلام الله علیها معتقد است یکی از دلایل این ظلم عظیم حسادت حاکمان ظالم بنی امیه به خاندان اهل بیت علیهم السلام است در حالیکه خداوند نعمتهایش را متناسب با شایستگی بندگانش در اختیار آنها قرار می دهد اما کوردلان به خیال خود می خواهند با هر وسیله ای این صاحبان نعمت و امتیاز را از بین ببرند غافل از آنکه همه چیز به دست خداست.

سخنرانی ام کلثوم دختر حضرت علی علیه السلام

بر طبق نقل ابن طاووس جناب ام کلثوم سلام الله علیها از پشت پرده صدای خود را بلند کرده و در آغاز به شدت گریه کرد آنگاه سخن آغاز کرد (همان، ص ۳۰۸) و شروع به سرزنش کوفیان کرد و سنگدلی جاهلانه آنها را در حق اهل بیت علیهم السلام مورد عتاب قرار داد و در آخر با بیان چند بیت مرثیه سوزناک سخنان کوبنده اش را به پایان رساند. راوی نقل می کند: بعد از سخنان ایشان صدای فریاد و شیون از میان مردم برخاست. زنان موهای خود را پریشان کرده و

خاک بر سر می ریختند و صورتهای خود می خراشیدند و لطمه بر چهره خود می زدند و واویلا می گفتند، مردم همینطور ضجه می زدند به طوری که مانند آن روز را ندیدم. (لهوف، ۲۸۳)

چنان که ذکر شد این سخنرانی ها و روشننگری ها علاوه بر تنبیه مردم بر خطایشان و تحریک احساسشان، دستاوردهای مهم دیگری نیز داشت که رسوا ساختن دستگاه حاکم، دادن روح مقاومت و ایستادگی به مردم، ایجاد وحدت و یکدلی در بین مردم جهت مبارزه و قیام، بیداری افکار و اندیشه ها، تهیه عوامل سقوط رژیم غاصب بنی امیه، توسعه معارف اسلامی، ایجاد ارزش های اخلاقی جدید و ... از جمله این دستاوردهاست. همین واکنشها در آمدن زنان بنی اسد به کربلا و اقدام به خاکسپاری اجساد مطهر شهداء، قیام دره الصدف در جهت آزادی اسرا ادامه یافت، تا آنجا که حتی در مجلس ابن زیاد اعتراض عبدالله بن عقیف ازدی و نیز در مجلس یزید اعتراض میهمانان داخلی و خارجی را پس از افشاگریهایی که از سوی اسرای کاروان عاشورا بالاخص امام سجاد(ع)، حضرت زینب(س)، ام کلثوم(س) و فاطمه بنت حسین(س) انجام پذیرفت، برانگیخت و رسوایی حکومت بنی امیه را بدنبال داشت تا جایی که یزید بن معاویه ناچار به دلجویی از اسرای کربلا شد. (یزدان پناه، زنان عاشورایی، ۱۳۸۷، ۱۸۷) همین گریه ها و شیونها و عزاداری بر شهدا باعث تحریک عواطف مردم نسبت به حادثه کربلا شد و با تأثیر بر احساسات مردم زمان به آن عمق بخشید و باعث ماندگاری این واقعه شد. تامل درباره شخصیت و موقعیت هر یک از این زنان، می تواند عظمت و بزرگی اقدامات شایسته آنان را جلوه گر نماید و درسی باشد برای زنان در عصرهای مختلف، برای وصول به اهداف عالی اسلام. همچنین این زنان فرهیخته به سرپرستی زینب کبری(س) ماهیت اسارت را به آزادگی تبدیل کردند و در قالب اسارت به اسیران واقعی درس حریت و آزادگی دادند و مفهوم اسیر در اذهان را به گونه ای دیگر تغییر دادند. (محدثی، ۱۳۹۱، ۳۵۹)

نتیجه گیری

با نگاهی به مستندات تاریخی که بخشی از آنها در این مقاله ذکر شد، بعد از تشخیص امام معصوم برای زنده نگه داشتن اسلام به وسیله جهاد، زنان اصلی ترین نقش را در اجرای این تصمیم و عمق بخشیدن به آن داشتند. زن مسلمان نشان داد می تواند به انحاء مختلف در جهت نیل به والاترین مقام انسانی، هم پای مردان، برای حمایت از دین حق قیام کند. زنان حاضر در کربلا که آگاهانه و عالمانه برای یاری ابا عبدالله الحسین علیه السلام آمده بودند بهترین داشته های خود

را در این مسیر تقدیم امامشان کردند. فرزندشان را قربانی کردند، از همسرشان گذشتند و حتی از جان و مال خود دریغ نکردند. البته امام حسین (ع) نیز که از جانب خدا می‌دانستند قیامشان علیه یزیدیان منجر به کشته شدن همه همراهان می‌شود بگونه‌ای تدبیر کردند که زنان طلایه دار این نهضت شوند و حقایق را علنی کنند و به افشاگری بپردازند. زنان حاضر نیز با بصیرت کامل لبیک گویان همراه شدند تا به زیبایی تمام اطاعت امر امام و ولی خود کنند.

بنابراین علاوه بر نقش‌های تربیتی، اخلاقی و سیاسی، نقش اساسی و مهم زنان، بیش از همه در حفظ و تداوم نهضت حسینی بود. آنان با ترغیب و تشویق فرزندان و همسرانشان برای شرکت در سپاه امام زمانشان، پشتیبانی مستقیم و غیر مستقیم خودشان از جهاد، سخنرانی‌های کوبنده و عزاداری‌های پی در پی شان پس از شهادت مظلومانه اهل بیت علیهم السلام و عزیزانشان، به مبارزه علیه حکومت بیدادگر یزید برخاستند و با حرکت‌های مدیریت شده در نهایت لطافت و ظرافت زمینه نابودی خاندان بنی امیه را تدارک دیدند و در اذهان ملتها تاثیر به‌سزایی گذاشتند. به گواه تاریخ کربلا و حادثه عظیم عاشورا، میتوان نتیجه گرفت هر گاه زنان جامعه آگاهانه از تواناییها و احساسات پاک و خداجوی خود تحت مدیریت عقل بهره گیرند، قادر خواهند بود شاهکارهایی خلق کنند که انسانهای پست دنیا طلب را تا ابد و امدار توانیها، رشادتها، بصیرت ژرف و خداین خود قرار دهند و زمینه سعادت بشریت را فراهم سازند؛ و البته بروز چنین بصیرت و رشادتهایی از موجودی که تا چند دهه قبل از حادثه کربلا در سرزمین حجاز حتی حق حیات نداشت، بیانگر علم دقیق و عملکرد الهی بانوی دو عالم فاطمه زهرا سلام الله علیها و تربیت یافته ایشان زینب کبری سلام الله علیها است که چاره‌ای جز نفوذ در روح و جان زنان عصر خود ندارد. از سوی دیگر زنان آن دهه نیز به شایستگی حق این دو بانوی بزرگوار را که تربیت شده پیامبر عظیم الشان بودند را به جا آورده و با تمام وجود لبیک گفتند. آنها با تمام هستی خود در میدان جهاد نقش آفرینی کردند تا زن مسلمان امروز به تاسی از آنها فرزندان و همسرانی آزاده با غیرت دینی و ملی تربیت کرده، به عالم صادر کنند تا همواره بنیان ظلم و ظالمان را در معرض نابودی قرار دهند. آری این است دلیل آن که موجودی از جنس زن و فقط زنا! می‌تواند به مقام والای بانویی دو عالم برسد تا جایی که خداوند رضایتش را مشروط به رضایت او می‌کند و بر اساس همین دلایل است که این الگو توان آن دارد در هر برهه‌ای از تاریخ توسط همجنسان حقیقت طلب خود با ظرافت و دقت ژرف نقش‌نمایی کرده، باعث تضمین حیات و پویایی بشریت در سایه اسلام ناب محمدی (ص) باشد.

منابع

- ابی مخنف، مقتل الحسين؛ نشر دارالکتاب، ۱۴۰۵ ه ق .
- بلخاری قمی، حسن. تهاجم یا تفاهم فرهنگی؛ تهران: نشر حسن اقرء، چاپ سوم، ۱۳۷۸ .
- بهزادیپور، سیمیندخت؛ "نقش آفرینی زنان صحابه در حماسه عاشورا"، فصل نامه بانوان شیعه، سال دوم، شماره ۳، ۱۳۸۴.
- سید بن طاوس، اللهوف فی قتلی الطفوف، تهران نشر جهان، چاپ اول، ۱۳۴۸ش.
- سماوی، محمد؛ ابصار العین فی انصار الحسین، ترجمه: عقیقی بخشایشی، چاپ دوم، قم:نوید اسلام، ۱۳۸۴ .
- رجبی، فاطمه، زن در حماسه کربلا، نشر مطهر، ۱۳۷۸.
- عباسی، لیلا؛ جایگاه زن در عاشورا، قم: انتشارات سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۵.
- فتاحی، سید حمید؛ الگوهای زندگی در مقتل حسینی، ناشر میر فتاح، قم، چاپ سوم، ۱۳۸۷
- قمی، عباس؛ نفس المهموم، نشر آفتاب، ۱۳۶۳ .
- محدثی، جواد؛ فرهنگ عاشورا، انتشارات معروف، ۱۳۷۴ .
- محمدشاهی، محمد؛ جلوه های تربیتی قیام عاشورا. روزنامه جوان الف، ۱۳۸۹ .
- معروف الحسنی، هاشم، جنبش های سیدی در تاریخ اسلام، انتشارات استان قدس رضوی، چاپ سوم، ۱۳۹۳.
- مهوری، محمد حسین؛ "عاشورا عرصه ی سیاسی زنان در مبارزه و جهاد". حکومت اسلامی. سال هفتم، شماره ۴، (۱۳۸۱).
- نظری منفرد، علی، قصه کربلا، ناشر: سرور، ۱۳۹۳
- نقدی، علامه شیخ جعفر، حضرت زینب کبری(س)، ترجمه علامه حسین عمادزاده، ناشر: سعدی، چاپ دوم، بی تاریخ
- یزدان پناه قره تپه، زهرا، زنان عاشورایی، موسسه انتشارات و تبلیغات هلال، چاپ چهارم، ۱۳۸۷

